

موضوع بحث: عوامل ارتقا یا نابودی انسان - 96/1/30

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ وَ ثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ وَ ثَلَاثُ مُؤَبِّقَاتٍ وَ ثَلَاثُ مُنْجِيَّاتٍ»؛ سه چیز باعث ارتقای درجه‌ی انسان می‌شود؛

«فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ فِإِفْشَاءُ السَّلَامِ» سلام را خیلی ظاهر کردن. با صدای رسا سلام کردن نه اینکه جواب سلام، خود سلام کردن. یک چیزی که قدیم خیلی مخصوصاً در میان علما بوده ولی متأسفانه الآن بین ما طلبه‌ها مترود شده حتی دو تا طلبه وقتی از یک جا عبور می‌کنیم حاضر نیستیم به هم سلام کنیم چه برسد به افشاء السلام، این را یک مقداری مراقبت کنیم، لازم نیست طرف ما طلبه باشد، این در سنت پیامبر(ص) هست که هیچ کسی در سلام کردن به حضرت سبقت نگرفت، انسان سلام کند. حالا بر حسب این روایت خودش موجب ارتقای درجه‌ی انسان است، درجه انسان را در پیش خدا بالا می‌برد، چه چیزی از این بهتر برای انسان؟

«وَ إِطْعَامُ الطَّعَامِ» سور دادن و اینکه آدم سفره‌اش باز باشد و دعوت کند. گاهی اوقات بعضی‌ها می‌گویند مثلاً وقت علمی مان اجازه نمی‌دهد، البته نباید منافات با مسائل علمی داشته باشد ولی طوری باشد که بگویند این آقا اصلاً اهل سفره نیست، در خانه‌اش سفره پهن نمی‌شود، روایاتی که در باب اطعام الطعام هست را ببینید، آثار خیلی زیادی دارد، بر حسب این روایت این ارتقای درجه برای انسان است.

«وَ الصَّلَاةُ وَ النَّاسُ نِيَامٌ» این هم مطلب سوم است نماز شب. قبلاً عرض کردم ولو حالا در این مطلب عامل هم نیستیم ولی واقعاً سعی کنیم به مسئله‌ی نماز شب مقید باشیم، سعی کنیم وقتی که هوا تاریک شد یکی از چیزهایی که علاقه‌ی انسان را به شب زیاد کند و بگوید کم‌کم وقت نماز شب می‌رسد و انسان موفق به نماز شب می‌شود و انسان اگر واقعاً از خدای تبارک و تعالی بخواهد که او را برای قیام به شب و قیام به لیل کمک کند، خدا کمک می‌کند منتهی مشروط به این است که این انسان اولاً از خدا بخواهد ثانیاً در روز مرتکب گناه نشده باشد، کسی که در روز مرتکب گناه شده باشد موفق به نماز شب نمی‌شود، به هیچ وجهی. اگر هم بیدار باشد باز آن حال برای نماز شب را پیدا نمی‌کند، علی‌ای حال اگر بخواهیم درجه پیدا کنیم در نزد خدا، نماز شب است، حالا آثاری که برای نماز شب در جای خودش گفتند، این جزئیات را نمی‌خواهم هر کدام توضیح بدهم فقط تذکری است برای خودم و شما، این سه چیز که برای انسان موجب درجات است.

سه چیز هست که موجب کفارات است؛ یعنی موجب می‌شود گناهان صغیره‌ی انسان از بین برود، «نُكْفِرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ»^[1] تکفیر سیئات می‌شود. «فَإِسْبَاغُ الوُضُوءِ بِالسَّبْرَاتِ» یعنی آب را رساندن به آن جاهایی عمیق، به باطن محاسن، آب را کامل رساندن «أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً»^[2] یعنی اسبغه به صورت کامل، وضو را آدم کامل بگیرد، درست بگیرد، دقیق انجام

بدهد، آب را به همه نقاط دقیق رساندن، این موجب بخشش گناهان صغیره می‌شود.

«وَالْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَى الصَّلَوَاتِ» شب و روز رفتن به سوی نماز جماعت، همین مشی هر قدمی که انسان برمی‌دارد کفاره‌ی ذنوب است.

«وَالْمُحَافَظَةُ عَلَى الْجَمَاعَاتِ» اینکه انسان مراقبت بر اول وقت کند، باز این نکته را هم عرض کنم که سعی کنید لااقل در زندگی خودتان، در خانواده خودتان اول وقت که شد چه مهمان داشته باشید و چه نداشته باشید، چه مهمان باشید و چه نباشید نمازتان را بخوانید، حتی استثنا هم نباید کم لااقل در منزل خودتان حتی اگر مهمان دارید، مهمان اگر ندارید خیلی روشن و آسان است، به خانواده خودتان مقید کنید اول وقت هیچ کاری انجام ندهند! این بچه‌ها عادت می‌کنند بر نماز اول وقت، این نماز اول وقت چقدر برکات دارد برای انسان، در سعادت انسان، حالا این روایت به عنوان کفاره‌ی ذنوب مطرح شده ولی از آن چیزهایی که موجب خوش عاقبتی انسان می‌شود، عاقبت انسان را عاقبت خوبی می‌کند نماز اول وقت است. انسان وقتی حکم خدا و دستور خدا را رعایت کند، خدا هم او را مراقبت می‌کند، نمی‌گذارد او زمین بخورد، نمی‌گذارد مشکلات حاد پیدا کند دستش را به وقت خودش می‌گیرد لذا این محافظت بر نماز یعنی نماز اول وقت.

اما مویقات؛ سه چیز را به عنوان مویقات، آنچه که اسباب بدبختی انسان است مطرح می‌کند می‌فرماید یکی «فَشْحُ مَطَاعٍ» این در روایات دیگر به سوء ظن بالله تفسیر شده، اگر انسان حسن ظن به خدا نداشته باشد و بگوید خدا که من را کمک نمی‌کند، خدا که من را توجه ندارد هر چه دعا می‌کنم اصلاً به جایی نمی‌رسد، خدا من را رها کرده نعوذ بالله، اینها تمامش سوء ظن به خداست، انسان همیشه باید حسن ظن به خدا داشته باشد و بگوید خدا حتماً به من عنایت دارد، این حسن ظن به همین معناست، خدا به من توجه دارد. اگر چیزی از خدا بخواهم خدا می‌دهد در روایات حسن ظن به خدا می‌گوید طوری حسن ظن به خدا داشته باشد که گویا حاجت‌تان الآن پشت در قرار گرفته. یکی از عواملی که دعا مستجاب نمی‌شود این است که مایوسانه دعا می‌کنیم اما اگر واقعاً بگوئیم خدایا من این را از شما می‌خواهم، از ذات مقدس تو تقاضا می‌کنم و می‌دانم می‌دهی، بله مگر مصلحت من نباشد، یک مانعی باشد و الا لو لا مانع این استجابت پشت در است. در روایات دیگر شرح به معنای سوء ظن است.

البته این هم بی ارتباط با بخل نیست، یا انسان خدا را نسبت به خودش بخیل بداند یا بخل معرفتی خودش به خدا دارد، این هم یک سوء ظن و یک نوع بخل معرفتی است وقتی انسان سوء ظن به خدا دارد، خدا را حاضر نمی‌داند، قادر نمی‌داند، نعوذ بالله مثلاً خدا را محدود می‌داند اینها با معنای بخل هم ... ولی در روایت سوء ظن معنا کرده و روایت معتبر دارد، این انسان را بدبخت می‌کند.

«وَهُوَ مُتَّبِعٌ» تبعیت از هوای نفس که همه گرفتارش هستیم، یکی گرفتار مقام است دنبال این است که به این مقامی که نفس دارد او را می‌گوید برو، غیر از تو کسی در این میدان نیست تویی که فقط می‌توانی این کشور را نجات بدهی و کس دیگری نیست، این می‌شود «وَهُوَ مُتَّبِعٌ»، تو فقط عالم زمانه هستی و غیر از تو کسی نمی‌تواند جهل مردم را برطرف کند، فقط تو خطیبی، محقق، این هوای نفس که عرض کردم خود ما طلبه‌ها گرفتار این هستیم وقتی خود شما به شهرها می‌روید نزاع‌هایی که بین روحانیون وجود دارد، خدا رحمت کند امام (رضوان الله تعالی علیه) را که انسان هر چه می‌گذرد که واقعاً عظمت امام برای انسان بیشتر روشن می‌شود می‌فرمود آن انسانی که هوای نفس دارد اختلاف می‌کند، منشأ اختلافات هوای نفس است، و الا اگر انسان هوای نفس را کنار بگذارد با کسی اختلافی ندارد، بعد می‌فرمود اگر دو تا پیامبر در یک زمان با هم باشند مگر می‌شود بین‌شان اختلاف باشد؟

به روحانیون می‌فرمود منشأ این اختلافات شما هوای نفس، تبعیت از هوای نفس، شیطان، حالا هم که احساس تکلیف اصلاً در همه ما شبانه‌روز وجود دارد، اینجا من باید امام جمعه باشم، من گاهی اوقات برخورد کردم یک امام جمعه‌ای که فرض کنید از

محلش او را برداشتند و جای دیگری گذاشتند یا گفتند فعلاً اجازه بدهید تا یک وقت دیگری از شما دعوت کنیم، آمده پیش من به قدری از امام جمعه بعد بد گفته، ممکن است او ده درجه در یک جهاتی بدتر از تو باشد و تو هم بدتر از او باشی، خیلی مراقبت کنید.

البته گفتنش آسان است گاهی اوقات انسان روایات را که می‌بیند می‌گوید این مطلب ندارد و روشن است، نگاه‌مان را در این روایات بیندازیم اول از همه بر خودمان تطبیق کنیم، من هوای نفس دارم یا نه؟ بله دارم، کم دارم؟ کم دارم؟ نه کم هم ندارم، اول این هوای نفس خودمان را معالجه کنیم اگر دیدیم معالجه شد بعد برویم دیگران را نصیحت کنیم، برای دیگران بگوئیم فلانی دارد چه اشتباهاتی می‌کند و ... علی‌ای حال از چیزهایی که موجب بدبختی انسان هست هوای نفسی است که متبع است.

«وَإِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ» که انسان گرفتار عجب می‌شود، خودپسندی، این هم از چیزهایی است که موجب بدبختی انسان است. همیشه دیگران را بر خودمان مقدم بدانیم بگوئیم دیگران در تقوا بر من مقدم هستند، دیگران در حسن نفس بر من مقدم‌اند، در علم بر من مقدم‌اند، این را بگوئیم تلقین کنیم به خودمان، تا این عجب را از خودمان دور کنیم ^[3] إن شاء الله.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] □ نساء، 31.

[2] □ لقمان، 20.

[3] □ المحاسن، ج 1، ص: 4 و معاني الأخبار، النص، ص: 314: عَنْهُ عَنْ هَارُونَ بْنِ الْجَهْمِ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ مَفْضَلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: ثَلَاثُ دَرَجَاتٍ وَ ثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ وَ ثَلَاثُ مُوبِقَاتٍ وَ ثَلَاثُ مُنْجِيَاتٍ فَأَمَّا الدَّرَجَاتُ فَأَفْشَاءُ السَّلَامِ وَ إِطْعَامُ الطَّعَامِ وَ الصَّلَاةُ وَ النَّاسُ نِيَامٌ وَ أَمَّا الكَفَّارَاتُ فَإِسْبَاغُ الوُضوءِ بِالسَّيْرَاتِ وَ الْمَشْيُ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ إِلَى الصَّلَوَاتِ وَ الْمُحَافَظَةُ عَلَى الْجَمَاعَاتِ وَ أَمَّا الْمُوبِقَاتُ فَشَحُّ مَطَاعٍ وَ هَوَى مُتَّبِعٍ وَ إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ وَ أَمَّا الْمُنْجِيَاتُ فَخَوْفُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَ الْعَلَانِيَةِ وَ الْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَ الْفَقْرُ وَ كَلِمَةُ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ السَّخَطِ.